

حسن شرفی، معلم هنر و عضو پژوهشکده تعلیم و تربیت، سال‌هاست که در راستای ارتقای آموزش هنر در کشور قدم برمی‌دارد. وی ضمن همکاری با مؤلفان کتاب‌های هنر دوره راهنمایی، در گروه‌های آموزشی مناطق ۱ و ۳ تهران، چندین الگوی تدریس و برنامه ریزی را با موفقیت پیاده کرده است.

مقاله حاضر، کوتاه شده یکی از آخرین تألیفات ایشان است که برای کمیسیون ملی آیسسکو (Iranian National Commission for ISESCO) در جمهوری اسلامی ایران نوشته شده و می‌تواند برای معلمان هنر، الهام بخش باشد.

# آموزش هنرهای اسلامی در ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها

## آموزش هنرهای اسلامی در ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها

شناخت هنرهای ایرانی - اسلامی از هدف‌های فرهنگی و هنری آموزش و پرورش

جمهوری اسلامی ایران است. (۱)

امر خطیر هویت‌یابی دانش‌آموزان، به توجه بیشتر نسبت به فرهنگ و هنر در نهاد آموزش و پرورش نیازمند است. در حالی که از نظر عملی، در این زمینه کاری اصولی صورت نگرفته است و فراموشی و عدم شکل‌گیری آن در دانش‌آموزان، زمینه‌ساز پدیده تردید در خودباوری و بی‌توجهی به فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی شده است. بدین ترتیب، امکان جذب شدن هر چه بیشتر آنان را به فرهنگ و هنر بیگانه فراهم می‌آورد. (۲)

نتیجه یک پژوهش نشان می‌دهد رابطه‌ای منطقی میان دوره‌های تحصیلی و هویت ملی مشاهده نشده است. جا دارد دست اندرکاران آموزش و پرورش با اتخاذ تدابیر مناسب، به شکل‌دهی هویت هنرهای ایرانی - اسلامی به دانش‌آموزان اقدام کنند. (۳)

نقش و نگارهای ایرانی. اسلامی، ساختاری منطقی دارند، به این معنی که با تعدیل و ساده کردن عناصر آن، توانایی تبیین مفاهیم و نقش‌های پیچیده‌تر برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود. بنابراین با توجه به اصل توالی منطقی پیازه و روش تفکر دیویی، برنامه ریزان درسی خواهان برنامه‌ای هستند که دانش و هنر گذشته را پایه‌ای برای تولید دانش جدید و تکامل هنر گذشته در نظر بگیرد. برای فراهم کردن ساخت منطقی و پرورش اندیشه در فعالیت و محتوای برنامه‌های درسی و نایل شدن به معرفت موجود در آن، باید پیش‌نیازهای این سازمان‌دهی منطقی را مشخص کرد و تعلیم داد تا امکان دست‌یابی به دانش و هنر جدید فراهم شود.

کلیدواژه:

هنرهای ایرانی - اسلامی  
پرورش اندیشه  
نقش و نگارها  
سازمان‌دهی منطقی  
ساخت مفهوم

فراگیری هنر اسلامی گل و بوته از هنرمندان و پیش‌کسوتان هنرهای اسلامی‌آستان قدس رضوی، به محضرشان شرفیاب می‌شدم.

در مسابقات نماز مدرسه، با فراهم کردن تصاویر و کتاب‌هایی از بناهای مذهبی و تاریخی و وسایلی مانند کاغذهای کادوی طرح دار و نظایر آن، دانش‌آموزان به روش قطاعی (کلاژ)، بناهای مذهبی را در اندازه‌های بزرگ و به صورت دوبعدی می‌ساختند و به جا آوردن نماز و سایر اشکال روحانی را در این مکان هان نشان می‌دادند. یکی از همین دانش‌آموزان در مسابقه بین‌المللی شانکار هند برنده جایزه شد.

نمایش فیلم های آموزشی نقوش تاریخی، مانند فیلم بازدید دانش‌آموزان از موزه ملی ایران باستان، با نشان دادن سمبل‌ها و علامت‌های ویژه از انسان، حیوان و با استفاده از فنون ساخت فیلم و مفهومی کردن موضوع، چگونگی خلق این نمادها را به دانش‌آموزان نشان می‌دادند.

در راستای تعمیق یادگیری در دانش‌آموزان، متناسب با متن برنامه کتاب‌های هنر و برای آشنایی با سایر هنرهای ملی، دانش‌آموزان را به نمایشگاه‌های صنایع دستی می‌بردم. در آن جا آنان با اشتیاق فراوان به نقش‌اندازی‌هایی از روی نقوش برجسته مسی، نقوش‌های گلیم و نگارگری از روی صنایع دستی می‌پرداختند.

نوشته‌ام را به این دلیل با بحث فراگیری روش‌های تعلیم هنر در مرکز تربیت معلم و آموزش هنر به دانش‌آموزان آغاز می‌کنم که نقطه عطف فعالیت‌های هنری و کوشش در کسب مهارت‌های ویژه در این زمینه، به خصوص به روش استاد-شاگردی، خود را مرهون راهنمایی‌های ارزشمند استادان هنرهای اسلامی در حین خدمت آموزشی‌ام می‌دانم. پس از اتمام دوره تربیت معلم، به روستاهای نیشابور رفتم و هم‌زمان با تدریس، به شناخت هنرهای محلی پرداختم. در آن‌جا بود که هر روز با جلوه‌های تازه از هنرهای سنتی روستا آشنا شدم. دانش‌آموزان روستایی را تشویق می‌کردم تا از روی طرح‌های قالی و گلیم بافت خودشان، نقاشی بکشند و به طور عملی عشق به اصالت‌ها را تمرین کنند. همان‌جا بود که یاد گرفتم چگونه آن‌ها را با عناصر هنر بومی آشنا کنم. پس از آن که به مشهد مقدس منتقل شدم، دانش‌آموزان بسیاری را به پابوس امام رضا (ع) بردم و سعی کردم با توضیح و تشریح زیبایی‌های آشکار و نهان کاشی‌کاری حرم، آن‌ها را به بازشناسی نقوش زیبا و صمیمی مساجد و بقاع متبرکه وادارم و رسم لذت‌بردن از این هنر اصیل ایرانی-اسلامی را به آن‌ها بیاموزم. یکی از دانش‌آموزان می‌گفت: پس از آموزش‌های شما، هر وقت به حرم می‌روم، علاوه بر لذت معنوی زیارت، با دقت در لطافت‌های نقوش کاشی‌ها، آرامش و لذتی دیگر به من دست می‌دهد که حاصل درس آموزش هنر شماست.

دانش‌آموزان را به کارگاه‌های طراحی و ساخت نقوش کاشی‌های حرم می‌بردم؛ آن‌ها با نخستین مراحل ساخت کاشی تا مجموعه نقوش روی بناهای مذهبی و تاریخی، آشنا می‌شدند. دانش‌آموزان تعریف می‌کردند که بعضی از هم شاگردی‌هایشان را در گوشه‌ای از صحن حرم می‌دیدند که از بناها طراحی می‌کنند و عده‌ای دیگر نیز کاغذی را روی نقش‌های کاشی می‌گذارند و با مداد رنگی روی آن می‌کشند تا نقش را بر روی کاغذ منتقل کنند.

در یکی از صحن‌های حرم، موزه و کتابخانه قرار داشت. برای گرفتن سرمشق خوشنویسی و





این شروع، پیدایش اندیشه و تفکر در انسان است.

آنچه از لحاظ معرفت شناسی مهم است، همین فرآیند تفکر، است نه محصول آن که دانش خوانده می شود. اهمیت دانش تنها در آن است که حاصل تجربیات قبلی را در تشکیل فرضیه های بعدی در مواجهه با موقعیت جدید شرکت می دهد.<sup>(۶)</sup>

نظم منطقی، ناظر به تعیین نظم و ترتیب تجربه های یاددهی - یادگیری به گونه ای است که به کسب دانش ها، مهارت ها، ارزش ها و نگرش ها منتهی می شود. یکی از اصول تعیین توالی منطقی در برنامه درسی، مبتنی بر این فرض است که آموزش بایستی از ساده به پیچیده سیر کند. فرضی که در این تئوری نهفته و مربوط به ساختار دانش است، عبارت از این است که فراگیری داده ها و مفاهیم عینی، مبنای فراگیری اصول و مفاهیم ذهنی را فراهم می سازد.

اصل توالی منطقی پیازه هم مشابه همین فرض است و بیان می دارد که آموزش باید از عینی به ذهنی باشد. پیازه نشان داد که کودک پیش از رسیدن به بالاترین مرحله از رشد عقلانی یا همان تفکر انتزاعی، قادر به تفکر یا انجام دادن عملیات ذهنی روی اطلاعات نیست. پیش از ورود به این مرحله، تفکر کودک محدود به عینیات است؛ بر این اساس، توالی منطقی در برنامه درسی، مستلزم تناسب مواد آموزشی با مقتضیات مرحله رشد کودک است.<sup>(۷)</sup>

کاربرد این نگرش در طراحی و اجرای برنامه ها به این است که برنامه ریز و معلم باید به سراغ ساخت های مفهومی (پیش نیازهای) دانش سازمان یافته مورد نظر بروند.

### تحول سلسله مراتبی ساخت مفهوم

انسان از طریق درک محرک های پیرامون و مجموعه آن ها به مفهوم های ذهنی دست می یابد. اجتماع ادراک های انسان در هر مرحله از رشد و یادگیری، ترکیبی است از ادراک های قبلی و آنچه در حال حاضر ادراک کند.

ادراک های گذشته منجر به مفاهیم ذهنی گذشته و ادراک های جدید، مفاهیم ذهنی حال

را موجب می شوند. مفاهیم گذشته و حال در یک ارتباط خطی از زمان منجر به مفاهیم ذهنی آینده خواهند شد و قابلیت آن را دارند که در برخورد با محرک های جدید بتوان آن ها را در ساخت مفهومی جایگزین کرد؛ یعنی ذهن، مجهز به مجموعه ای از مفاهیم کلی است که قابلیت تعمیم دارند. بر این اساس انسان خواهد توانست درباره آنچه در آینده پیش خواهد آمد، پیش بینی کند و توانایی پیش بینی باعث خواهد شد تا انسان بتواند برای آینده، طراحی و برنامه ریزی نماید.

مفهوم سازی یک پدیده گام به گام و مرحله ای است، در واقع، یک روند سلسله مراتبی دارد. در مرحله اول محرک تشخیص داده می شود و لذا ابزاری برای معنا دادن به ادراک است. در مرحله دوم ادراکات، مفاهیم را شکل می دهند. در مرحله سوم ادراکات و مفاهیم گذشته و حال در هم تنیده می شوند و مفاهیم بعدی را شکل می دهند. در مرحله چهارم مفاهیم آینده با شکل دهی پیش بینی ها ارتباط پیدا می کند و در مرحله پنجم طراحی و برنامه ریزی است که حاصل مجموعه پیش بینی هاست.

### منابع و پی نوشت ها:

۱. مصوب آبان ماه سال ۱۳۷۷ (ششمین و بیست و هشتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش).
۲. مجوبه امینی و همکاران؛ نقش موزه ها در بالا بردن فرهنگ ملی، خودباوری و اعتماد به نفس دانش آموزان؛ شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان تهران، ۱۳۷۵.
۳. سکینه طالبی؛ تحول هویت ملی دانش آموزان در دوره های تحصیلی ابتدایی، راهتنامی و متوسطه شهر تهران؛ فصلنامه تعلیم و تربیت (ویژه نامه جامعه شناسی آموزش و پرورش)، شماره ۶۳، سال ۱۳۷۹.
۴. در مقاله ای از مجله روزگار نو، چاپ لندن در سال ۱۹۴۲ آمده است: "... هنر ایران در طرح و نقش و نگار و نیز در طریقه تهیه آثار هنری انگلیسی، خاصه در پارچه های این کشور تأثیر بسیار داشته است". شال پیزلی، شالی با همان نقش معروف "بته جقه ای" و نقش و نگارهای سنتی ما و با همان رنگ ها بود که سال ها، بافندگان شهری کوچک به همین نام، آن را در اسکاتلند تولید و به بازار عرضه می کردند (دکتر محمد مهدی هراتی، ۱۳۷۱).  
۵. دکتر محمد مهدی هراتی، تعلیم هنر برای معلم؛ با همکاری دفتر امور کمک آموزشی؛ تهران ۱۳۷۱.
۶. دکتر خسرو باقری و دکتر محمد عطاران؛ فلسفه تعلیم و تربیت معاصر، تهران، انتشارات محراب قلم، ۱۳۷۶.
۷. دکتر محمود مهر محمدی؛ دانش پیش نیاز در برنامه درسی، فصلنامه تعلیم و تربیت شماره ۲۲ و ۲۳، تابستان و پاییز ۱۳۶۹.

